

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای حاج مرادی
دادیار محترم ناظر زندان اوین

باسلام

مسبوقید که در اواخر شهریور ۱۳۹۵ که پس از بستری شدن در بیمارستان سینا آزاد می شدم، سلف جنابعالی، جناب آقای حاجیلو، تلفنی به من گفتند که «هشت روز مرخصی استحقاقی و یک ماه مرخصی استعلاجی داری و فرم آزادی تو را هم پر کرده و برای مقامات تصمیم گیرنده ارسال کرده ایم که پس از آن آزاد شوی». بعداً به پزشک قانونی معرفی شدم. پزشک قانونی غرب تهران، کمیسیون پزشکی سه نفره و کمیسیون پزشکی پنج نفره با استعلام از پزشکان متخصص مورد اعتماد خود در مورد بیمارهای متعدد من، اظهار نظر کرده اند که جملگی بر عدم تحمل کیفر می باشند. معهدا، پرونده برای تصمیم گیری نهایی به کمیسیون پزشکی مرکزی (کمیسیون هفت نفره) ارسال گردیده تا تصمیم نهایی، گرفته شود.

کمیسیون پزشکی مرکزی با من تماس گرفتند که مستندات پزشکی خود را به آن کمیسیون اعلام کنم. در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۹۶ مدارک پزشکی را طی نامه ای که ضمیمه است - همراه با پرداخت هزینه کمیسیون - ارائه دادم. منتظر تشکیل کمیسیون و نظر نهایی کمیسیون پزشکی شدم. با کمال تعجب مطلع شدم که دادستان تهران در ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۶ دستور توقف کار کمیسیون پزشکی را داده است. در تاریخ ۵ دی ماه ۱۳۹۶ همکار شما تلفنی خبر دادند که: «یا باید به زندان بازگردم و یا وثیقه ضبط خواهد شد.» ایضاً و گرچه تکراری است به اطلاع جنابعالی می رساند:

اول - تشکیل این پرونده را از ابتدا غیرقانونی و از نوع پرونده سازی می دانم و در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۹۵ به وزیر محترم اطلاعات از کارشناسان وزارت اطلاعات شکایت و تقاضای رسیدگی کردم.

دوم - طی بخشنامه ۱۲ فروردین ۱۳۹۵ ریاست قوه قضائیه و تأیید رهبری که علی القاعده قانون است و طبق بند ده آن بخشنامه که هیچگونه اما و اگری هم ندارد، باید در همان تاریخ آزاد می شدم و آقای نصیری پور، قاضی اجرای احکام وقت زندان اوین به صراحت به من گفت که دادستان تهران از اجرای این بخشنامه در مورد اینجانب جلوگیری کرده است! این رفتار دادستان تهران بسیار تعجب برانگیز است که حرمت امضا و تأیید رهبری را هم نگه نداشته اند!!

سوم - موقعی که پرونده ی پزشکی من در کمیسیون مرکزی پزشکی قانونی به مرحله ی نهایی رسید و مطمئناً طبق مستندات پزشکی و تأیید ۱۸ نفر از پزشکان مورد تأیید پزشکی قانونی نظر کمیسیون های قبلی تأیید می شد و طبق ماده ۵۰۲ قانون باید زندان به جریمه ی نقدی تبدیل می گردید، دادستان تهران دستور توقف کار کمیسیون را داده اند!!

چهارم - بازگشت من به زندان، با توجه به شرایط زیستی، تغذیه ای، دارویی و پزشکی و بیماری های اپیدمی زندانیان که در نامه ی مورخ پنجم مردادماه ۱۳۹۵ به وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

آن را توضیح داده‌ام، و بیماری‌های متعدد من، رفتن به مسلخ و استقبال از مرگ است و هیچ مسلمانی طبق قوانین شرعی و قانونی از مرگ نباید استقبال کند و فعل حرام انجام دهد. آن هم در یک روال غیرقانونی. لذا، از جنابعالی درخواست دارم که موارد زیر را که فقط درخواست اجرای قانون می‌باشند و تاکنون در مورد من رعایت نشده‌اند، پی‌گیر باشید:

الف- اجرای بخشنامه‌ی ۱۲ فروردین ۱۳۹۵ که بند ده آن تصریح دارد که هر مرد زندانی که بالای ۶۵ سال داشته و یک پنجم زندان را تحمل کرده باید آزاد شود. بدون هیچگونه محدودیت. خوشبختانه خیلی از زندانیان با استفاده از این بخشنامه آزاد شدند و در مورد من اجرا نشد! عدم اجرای آن توسط آقای دادستان سؤال برانگیز است.

ب- دستور قضایی صادر شود تا کار کمیسیون پزشکی و مرکزی به سرانجام برسد و روال قانونی رعایت گردد.

ج- آزادی مشروط، شامل حال اینجانب می‌شود. اعمال گردد. ضمناً تصریح می‌کند که طبق دادنامه‌ی شماره‌ی ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۵۸۰۰۶۳۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ دادگاه تجدیدنظر شعبه‌ی ۵۴ مستقر در دادگاه انقلاب اسلامی، فعالیت‌های فرهنگی و مدنی اینجانب، بلامانع است و تهدیدات شفاهی مسئولان ملی - مذهبی‌ها در وزارت اطلاعات جایگاه قانونی ندارد و خود نیز مورد دیگری از نقض قانون است.

با تشکر قبلی از مساعدت شما

محمدحسین رفیعی فنود (حسین رفیعی)

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۶

ضمائم:

- ۱- نامه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۳۰ به وزیر محترم اطلاعات
- ۲- نامه‌ی مورخ ۸ آبان ماه ۱۳۹۶ به کمیسیون مرکزی پزشکی قانونی و شرح مستندات بیماری‌ها.
- ۳- نامه‌ی مورخ ۵ مرداد ۱۳۹۵ به وزیر محترم بهداشت، درمان... در مورد شرایط زندان اوین